

چرا "خلع ید یک کلام والسلام"!!!!؟

بهمن ۱۳، ۱۳۹۹

مجتمع نیشکر هفت تپه با داشتن هکتارها زمین زیر کشت و تاسیسات متعدد صنعتی به عنوان یکی از بزرگترین مجتمع های کشت و صنعت کشور و درعین حال با داشتن قریب به پنج هزار کارگر از مهمترین قطبهای کارگری در خوزستان و کشور محسوب میشود و به همین دلیل همواره مورد توجه و از حساسیت امنیتی بالایی در در منطقه برخوردار است و همه جناحهای سرمایه داری مصمم در به خدمت گرفتن و کنترل آن هستند . آنچه در این سالها با مبارزات کارگران هفت تپه شکل گرفته تجلیی زیبا از وحدت و هبستگی کارگران است و گواهی بر این که کارگران متحد هیچگاه شکست نخواهند خورد ، ولی نباید حرکت هفت تپه را به شکلی انتزاعی و جدا از جنبش مبارزاتی طبقه کارگر ایران بررسی کرد، واقعیت این است که اعتراضات کارگران هفت تپه علیرغم وسعت آن به لحاظ نفوذ دخیل در آن و مدت زمانی ندادم آن نتوانسته با دیگر بخشهای کارگری ارتباط برقرار کند و عاملی برای برانگیختن و همراهی کارگران سایر مراکز کارگری شود، اعتراضات کارگران هفت تپه حتی نتوانسته همراهی و حمایت سایر اقشار شهر شوش را هم کسب کند و به همین دلیل با وجود وسعت حرکت نتایج کمی به دست آورده است . آنچه در حرکتهای اعتراضی کارگری همواره مغفول میماند و به آن توجه ای نمیشود این نکته مهم است که کار صنفی جدای از کار سیاسی نیست و ماهیت سرکوبگر و استبدادی رژیم جمهوری اسلامی است در این سالها به خوبی نشان داده که هیچ اعتراضی حتی صنفی را بر نمیتابد و به همه آنها نگاه سیاسی دارد و برای جلوگیری از توسعه آن به خشن ترین شکل برخورد میکند، نمونه ها بسیار است هنوز گلوله باران هوایی کارگران و شلاق زدن و حبس های طولانی مدت صرفا برای درخواست حقوق معوقه وووو از کارنامه رژیم پاک نشده است . از چنین رژیمی که هیچ تشکلی خارج از چهارچوب های قراردادی خود ، حتی تشکل های خیریه و محیط زیستی را تحمل نمیکند، چگونه میتوان انتظار داشت که تشکلهای صنفی کارگری را بپذیرد، سرنوشت سندیکاهای مختلف بهترین گواه است . آنچه کارگران هفت تپه طی این سالها فریاد زده اند عمدتاً بخشی از مطالبات سایر بخشهای کارگری است ولی متأسفانه با حمایت سایر کارگران مواجه نشده است.

بزرگترین نقطه ضعف حرکت هفت تپه

1- حرکت بر محور مجمع عمومی کارخانه که در اصل جمعی بی درو پیکر از تمامی گرایشات موجود درون کارگران از راست ترین تا چپ ترین ، از صادق ترین تا امنیتی ترین ، که از این جمع ناهمگون هیچگاه نتیجه قابلی برای کارگران بدست نیآید و نمیتوانند خطری برای سرمایه داران باشند و جریاناتی تحت عنوان چپ عامدانه و آگاهانه مروج این راهکار هستند در حالی که کمیته های مخفی کارخانه تنها تشکل و سازماندهی ای است که میتواند در خدمت منافع کارگران باشد.

2- عدم شناخت و تفاوت قائل شدن بین جناحهای مختلف سرمایه داری و محوری قرار دادن شعار بازگشت مالکیت کارخانه از بخش خصوصی به بخش دولتی که آخرین نمود آن همین شعار "خلع ید یک کلام والسلام" بوده که اتفاقاً در این مورد اخیر هم جریانی چپ نما میداندار شده ، کارگرانی که تا چندی قبل با سر دادن شعار "نان ، کار ، آزادی ، اداره شورایی " لرزه به اندام سرمایه داران انداخته بودند، اکنون با دخالت جریانات فرصت طلب چپ نما و مهره های حاکمیت به ابزاری در خدمت جناح موسوم به اصولگرا بر علیه باند وابسته به " جهانگیری " معاون اول رئیس جمهور و " شریعتی " استاندار خوزستان

و کلا نفولیبیرالهای درون حاکمیت قرار گرفته اند . نکته مهم این است ، روزی که قرار بود هیات داوری وضعیت مالکیت هفت تپه را مشخص کند این عده مدافع منافع کارگر !! روبروی ساختمان وزارت دادگستری با شعار ارتجاعی " خلع ید یک کلام والسلام " تجمع کرده بودند و نکته جالب اینجاست که در کنار این افراد عده ای هم از نیروهای ارزشی یا همان بسیجی های معروف با همین خواسته تجمع کرده بودند.

۳- تاکید مکرر بر صنفی بودن خواسته ها و حرکتشان است که این خود عاملی شده که از حمایت اقشار مختلف شهر شوش که عمدتا شهری به لحاظ درآمدی ضعیف است، قرار نگیرد، همچنین حمایت سایر مراکز کارگری را با خود نداشته باشد و حرکتی با این وسعت و وحدت در همان محدوده و با همان خواسته ها که اکنون در حد دریافت حقوق معوقه تنزل یافته، باقی بماند.

آنچه گفته شد به این معنی نیست که طرح مطالبات صنفی و مبارزه برای تحقق آنها بی معنی است بلکه با تحلیل مشخص از شرایط و باور به این که کار صنفی جدای از کار سیاسی نیست ، همواره باید توضیح داده شود که انتظار تحقق این خواسته ها از جمهوری اسلامی امری بعید است و ره به جایی نخواهد برد کما اینکه تا کنون نبرده آنهم در شرایطی که رژیم در ضعیفترین و بحرانی ترین دوران حیات ننگین خود قرار دارد تاکید بر خواسته های صنفی صرف حرکتی رو به عقب و کمک به حاکمیت در از سر گذراندن بحران سیاسی و اقتصادی است ، با نگاهی به حرکت های اعتراضی کارگری به خوبی درمیابیم که بعد از سالها مبارز کارگران، در دست یابی به خواسته هایشان نه تنها گامی به پیش نبرده اند بلکه اکنون دریافت دستمزد ناچیز کاری که انجام میدهند به اولویت اول مطالباتشان بدل شده . هر جا که رژیم مجبور به عقب نشینی اندکی شده بلافاصله در اولین فرصت با یورش و بازداشت و زندانی کردن کارگران و قلع و قمع گسترده جبران مافات کرده ، در کنار طرح خواسته های صنفی می بایست ماهیت سرکوبگر و ضد کارگری رژیم را توضیح داد غیر از این جز قربانی کردن کارگران و خدمت به سرمایه داران و رژیم حامیشان نتیجه دیگری به بار نخواهد آورد کما اینکه در حرکت اخیر کارگران هفت تپه شاهد آن بودیم که چگونه یک حرکت مستقل کارگری با خواسته های مشخص مصادره به مطلوب شد و در خدمت جناح به اصطلاح انقلابی که قصد دارد بعد از دولت روحانی بر سر کار آید و همه چیز را درست کند !! قرار گرفت، اکنون هفت تپه ای ها چشم امیدشان را به نهاد زیر نظر رئیسی جلاد دوخته اند تا حقیقتشان را باز ستاند ! آنهم خلع ید از مالک خصوصی و بازگشت به تملک دولت . وظیفه همه کارگران پیشرو و آگاه است که ضمن حضور فعال در هر حرکت اعتراضی کارگری با افشای ماهیت سرکوبگر رژیم ، توضیح دهند که تحقق خواسته ها فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی با تمامی جناحها و باندهای حامی آن در هر رنگ و لباسی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران میسر خواهد بود .

مرگ بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

کمیته ایالتی تهران